

زن درعرا اسم تعمیریه

دیازین: الحاج محمد شاه (پیمان) سوید



Ketabton.com



www.masjed.se

۱۳۹۷

تتبع ونگارش:
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و
مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

بسم الله الرحمن الرحيم زن در مراسم تعزیه

جنازه کلمه عربی است که به کسر جیم به بمعنی مرده و به فتح جیم به معنای تختی که مرده را به وسیله آن بر میدارند یا عکس آن باشد یا بالکسر تخت با مرده و هر که او را مشایعت کند. (منتهی الارب) (اقرب الموارد) و در تعریف طبی و حقوقی، جنازه به جسد مرده انسان اطلاق گردیده است.

نماز جنازه فرض کفائی است. فرض کفایی بدین معنی که ادای جنازه در مرحله اول بر همه مسلمانان واجب است اما اگر شخص یا اشخاصی از مسلمانان آن را به جا آورند از نمت دیگران ساقط می گردد. سنت است که، هنگام خواندن نماز جنازه، امام برای مرد در قسمت سر و برای زن در وسط جنازه ایستاده شود.

همچنان سنت است که امام در پیش روی مقتدی ها ایستاده شود، ولی اگر محل جنازه ضیق و کوچک باشد، مقتدیان میتوانند در کنار امام هم ایستاده شوند.

هدف نمازه جنازه:

هدف نمازه جنازه خاص بخاطر دعا برای میت بر پا میگردد. در حدیثی از ابو هریره (رضی الله عنه) روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: « **إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ الْمَيِّتِ فَاخْلُصُوا لَهُ الدَّعَاءَ** » (ابو داود، کتاب الجنائز، باب الدعاء للمیت شماره: 3199)

(زمانی که بر میت نماز برپا داشتید (یعنی دعا کردید) خالصانه برایش دعا کنید). مسلمانان نه تنها برای میت صرف دعا بعمل آرند بلکه وجیبه شرعی مسلمانان است که میت را به نام نیک یاد نمایند و بر شخصیت و متدین بودن آن شهادت فرماید:

در حدیثی که از امیر المؤمنین عمر (رض) روایت گردیده آمده است: « **أَيُّمَا مُسْلِمٍ شَهِدَ لَهُ أَرْبَعَةٌ بِخَيْرٍ، أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ. فَقُلْنَا وَثَلَاثَةٌ؟ قَالَ: «وَوَثَلَاثَةٌ». فَقُلْنَا: وَائْتَانِ؟ قَالَ: «وَوَائْتَانِ». ثُمَّ لَمْ نَسْأَلْهُ عَنِ الْوَاحِدِ».** (صحیح البخاری (ج2) ص 97 حدیث شماره:

1368) (خداوند هر میت مسلمانی را که چهار نفر به خوب بودنش شهادت دهند، وارد بهشت خواهد کرد. عمر (رض) میگوید: پرسیدیم: اگر سه نفر شهادت دهند، چطور است؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر سه نفر شهادت دهند نیز چنین خواهد بود». دوباره پرسیدیم: اگر دو نفر شهادت دهند؟ آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر دو نفر شهادت نیز چنین می شود». درباره شهادت دادن یک نفر، سوال نکردیم».

قیام شروط نماز جنازه:

شروط نماز جنازه عبارت است از:

- 1- مسلمان بودن مُرده .
- 2 - پاک بودن مُرده که قبل از دادن غسل، نماز جنازه مُرده صحت ندارد. (شهادت البته از این حکم مستثنی است.)
- 3- پیش روی امام قرار داشتن مُرده . اگر مُرده پشت سر بود نماز جنازه آن در ست نیست.

4- حاضر بودن مُرده است .

5- قرار داشتن مُرده بر زمین ، اگر مُرده بالای شانه های مردم و یا بالای چیز دیگر بار بود نماز آن درست نیست و اما شرطه که تعلق به نماز گزار دارد، همان شرط های نماز اند از قبیل نیت، طهارت، ستر عورت و غیره.

یادداشت شرعی:

برای ادای نماز جنازه حاضر بودن میت لازم است، ولی اگر احیاناً، مرده بدون نماز جنازه دفن شده باشد، در این صورت تا سپری شدن وقت محدودی بر روی قبرش نیز می توان نماز جنازه را اداء نمود. زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم این عمل را انجام داده اند. (امام بخاری و امام مسلم (رحمهما الله) آورده اند که: مردی درگذشت (و او را دفن کردند) رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «**فدلونی علی قبره، فأتی قبره فصلى علیه**». (قبر او را به من نشا دهید، سپس به نزد قبر رفت و بر آن مرد نماز خواند.) و بیشتر از يك ماه دیگر جایز نمی باشد بدین علت که در حدیث یا اثری نیامده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بعد از يك ماه از دفن میت بر وی نماز جنازه خوانده باشد. (صحیح البخاری جلد 2 صفحه 89 شماره حدیث: 1337)

ترتیب نماز جنازه :

قبل از همه باید گفت که : نماز جنازه رکوع ، سجده و تشهد ندارد و تنها، چهار تکبیر با تکبیر تحریمه و چند ذکر و دعاست.

طوری که در فوق هم تذکر دادیم امام در برابر سینه مرده ایستاده میشود و نماز گزاران صفوف را برابر میکنند، بهتر است صفها سه، پنج و یا هفت باشد یعنی طاق باشد. اگر از هفت تجاوز کرد ضرورت به جفت و یا طاق بودن صف ها نیست .

امام به جهر و مقتدی ها به خفیه تکبیر تحریمه « **الله اکبر** » میگویند دستها را تا شانه ها و یا نرمی گوشها بلند میکنند و دست ها را طوری که در نماز بسته میکردند آنرا بسته کنند و امام و مقتدی «**سبحانک اللهم**» را تا اخیر میخواند، بعداً امام به جهر و مقتدی به آهسته گی تکبیر میگویند در حالیکه دستها را بلند نمیکند درود شریف را میخوانند ، بعد از آن امام به جهر و مقتدی به آهسته گی تکبیر میگویند که برای مرد بالغ و زن بالغ این دعا را میخوانند: « **عن أبي هريرة، قال: كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا صلى على الجنازة، قال: " اللهم اغفر لحينا وميتنا، وشاهدنا وغائبنا، وصغيرنا وكبيرنا، وذکرنا وأئتنا، اللهم من أحييته منا فأحيه على الإسلام، ومن توفيته منا فتوفه على الإيمان** » (مسند احمد جلد 3 صفحه 334) شماره حدیث 1024)

(بار خدایا زنده و مرده ما را و حاضر و غائب ما را و کوچک ما را و مرد و زن ما را بیامرز. بار خدایا هر که را زنده نموده ای از ما پس زنده نگهدار او را بر اسلام و هر که را از ما میرانده ای پس او را بر ایمان بمیران.)

و اگر مرده طفل صغیر باشد این دعا خوانده میشود:

« **اللهم اجعله لنا فرطاً واجعله لنا اجراً وذخراً واجعله لنا شافعاً ومشفعاً** » (بار خدا او را برای ما توشه آخرت بگردان توشه از پیش فرستاده شده و او را برای ما اجر و ذخیره گردان ، او را برای ما شفیع و مقبول الشفاعة بگردان .)

عن الثوري، عن يونس، عن الحسن، أنه كان إذا صلى على الطفل قال: «اللهم اجعله لنا فرطاً، واجعله لنا أجراً» (مصنف عبدالرزاق (ج 3 ص 529) شماره حدیث: (6588) و اگر مرده دختر صغیره باشد این دعا خوانده میشود:

« اللهم اجعلها لنا فرطاً واجعلها لنا أجراً وذخراً واجعلها لنا شافعة ومشفعة »

بعد از آن امام به جهر و مقتدیان به آهسته گی تکبیر میگویند و مرده را چهار نفری توسط چار پائی بر میدارند و در راه در حالی که سرش طرف پیش باشد کمی تیز تر طرف قبر میبرند. لازم است مردم عقب جنازه بروند .

مرده را بدون ضرورت به حیوان بارکردن و یا او را دو نفر برداشتن مکروه است و طریقه برداشتن طفل شیر خوار یا کمی بزرگتر از آن به این طور بوده که يك نفر، آنرا بر میدارد که سرش بطرف دست راست حمل کننده و بردارنده باشد.

تعزیه و همدردی:

تعزیه لغت عربی بوده و از لحاظ لغوی به معنای اظهار همدردی، سوگواری و تسلیت به ورثه و دوستان متوفی است. به عبارء دیگر تعزیت، عزاداری کردن تسلیت دادن برای بازماندگان متوفا و گفتن تسلیت به ایشان .

تعزیت برای تسکین آلام و دردهای فرد مصیبت دیده و فرونشاندن ترس و هراس فرد و آرام ساختن اندوه و بی قراری وی می باشد.

پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: « عن عبد الله، قال: قال رسول الله صلی الله علیه وسلم: «من عزى مصاباً فله مثل أجره» » یعنی: «آنکه مصیبت دیده ای را تعزیت گوید پاداشی به اندازه ی او برای اوست.» (ترمذی وابن ماجه).

اصطلاح تعزیه در افغانستان بنام « مراسم فاتحه خوانی و یا فاتحه» معروف میباشد که البته توام با گفتن فاتحه مردانه و زنانه تقسیم میشود.».

همانطوریکه گفتیم تعزیت و تسلیت گفتن پس از کفن و دفن میت به همه ای اعضای خانواده میت خواه بزرگ باشند و یا کوچک عمل مستحب است؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: « هر مسلمانی که به هنگام مصیبتی به برادر مسلمان خود تسلیت بگوید، روز قیامت خداوند لباس کرامت را بر تن او می پوشاند.» (اخرج ابن ماجه)

یادداشت ضروری:

لازم به یادآوری است که به روایت زاد المعاد جلد 1 صفحه 508 ، ترتیب مراسم برای تعزیه و جمع شدن خانواده میت و سایر دوستان میت برای مراسم تعزیه ، تسلیت و یا به اصطلاح مراسم فاتحه ، و قرائت قرآن عظیم الشان، آنهاست توسط چند نفر قاری و در ظرف یک یا دو ساعت، بدعت بوده و هیچ اصلی در دین مقدس اسلام ندارد.» (برای معلوماتی مزید در این بابت مراجعه شود : زاد المعاد جلد 1 صفحه 508).

آداب تعزیت:

تعزیت و همدردی دارای آداب خاصی خود بوده ، که بر هر مسلمان لازم آنرا رعایت بدارد:

مشارکت:

به محض اینکه شخص از مرگ کسی از نزدیکان، همسایگان یا دوستانش خویش اطلاع حاصل نماید ، بر او واجب است که به دیدار خانواده و دوستان و آشنا یان متوفی برای

تعزیت گفتن و شرکت نمودن در تشییع جنازه در صورتیکه ممکن باشد خود را برساند . تا مطابق عمل پیامبر صلی الله علیه و سلم عمل نماید که فرموده است: « **حق المسلم علی المسلم خمس: رد السلام، وعیادة المریض، واتباع الجنائز، وإجابة الدعوة، وتشمیت العاطس** » یعنی: «حق مسلمان بر مسلمان پنج چیز است: جواب سلام، عیادت مریض، رفتن بدنبال جنازه، قبول کردن دعوت، دعا برای عطسه زننده.» (متفق علیه)

تعزیت بعد از سپری شدن سه روز:

اگر احياناً شخص بنابر مصروفیت ها و یا سایر مشکلات، نتواند در اولین ساعات خود را برای اشتراک در نماز جنازه و تسلیت گفتن برای بازماندگان متوفی برساند، کوشش بعمل آرد، در صورتیکه امکان داشته باشد در مدت سه روز این کار را انجام دهد، و بهتر است شخصاً به نزد فرد و یا خانواده مصیبت دیده رفته و از نزدیک عرض تسلیت تقدیم بدارد.

همچنان در صورت بعد مسافه و یا سایر مشکلات، میتون تسلیت نامه خویش را توسط، تلیفون، و یا سایر وسایل ارتباطی به بازماندگان متوفی برساند.

تهیه غذا:

مستحب است که نزدیکان و دوستان فرد برای خانواده ی متوفی غذا تهیه بدارند، چرا که مشغول گشتن آنان به مصیبتی که دچار شده اند آن ها را از فراهم نمودن غذا برای مهمانان و کسائی که برای اشتراک فاتحه و مراسم تدفین آمده اند، بازمی دارد.

در روایتی آمده است زمانی که : حضرت **جعفر بن ابی طالب** (رضی الله عنه) به شهادت رسید، و پیامبر صلی الله علیه و سلم از شهادت موصوف اطلاع حاصل کرد، به منزل جعفر تشریف برد و فرزندانش خردسالش را گرد آورد و آنان را بوسید. اسماء همسر جعفر بن ابی طالب پرسید: یا رسول الله، آیا خبری از جعفر به شما رسیده است؟ فرمود: بلی . امروز کشته شد. اسماء شروع به گریستن نمود و پیامبر صلی الله علیه و سلم او را آرام ساخت و به منزل خویش بازگشت و فرمود:

« **اصنعوا لآل جعفر طعاماً، فإنه قد جاءهم ما یشغلهم** » یعنی: «برای خانواده ی جعفر غذا تهیه دارید، که برایشان حادثه ای پیش آمده که مشغولشان ساخته است.» (ترمذی)

یادداشت:

اگر احياناً انسان برای دیداری کوتاه و گفتن تعزیت به منزل خانواده مصیبت دیده برود، مشکلی و ممانعتی در دین اسلام وجود ندارد.

ولی کوشش بعمل آرد که از صحبت های بیهوده، و بحث های بی مورد که از موضوع و آداب محفل خارج باشد، باید جداً اجتناب صورت گیرد، در همچو مجالس باید صحبت ها در باره صبر، تسلیت، شکیبایی و مطالب مانند آن منحصر گردد.

الفاظ تسلیت و تعزیه :

الفاظی که باید به شخصی و یا خانواده شخص غم دیده و سوگوار گفته شود عبارت است از: « **البقاء لله** » یعنی: «تنها خداست که می ماند.»
و یا: «**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ - اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا**». (ما از آن خدائیم و به سوی او بازمی گردیم. پروردگارا! در برابر این مصیبت، به من اجر بده و بهتر از آن را نصیبم فرما). (مسلم)

و یا « **إِنَّ لِلَّهِ مَا أَخَذَ، وَلَهُ مَا أُعْطِيَ، وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّسَمًّى، فَلْتَصْبِرْ وَلْتَحْتَسِبْ** » یعنی: «آنچه را خداوند گرفت از آن خودش بود و آنچه داده است مال خود اوست. مسلماً هر چیزی نزد او دارای تقدیری است، لذا باید صبر کرد و امید به ثواب داشت.»
(بخاری و مسلم)

یا این دعا را بخواند:

« **أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَكَ، وَ أَحْسَنَ عَزَائِكَ وَ غَفَّرَ لِمَيْتِكَ.** » «خداوند پاداش تان را زیاد نماید و عزایت را نیکو بگرداند و مرده ات را مورد مغفرت قرار دهد.»
و در کشور ما معمول که برای شخصی و یا خانواده ای که برایشان فاتحه داده میشود گفته شود:

پروردگارشما را دیگر از غم نگاه کند ، این غم ، غم اخیر شما باشد ، اولاد و خانواده شما را الله تعالی زنده داشته باشد ، متوفی را پروردگار غریق رحمت سازد ، قبرشان را الله روضه جنت ساخته ، جنت برین نصیبش گردد ، ما خودرا در این غم شریک میدانیم ، برای شما و اعضای خانواده شما صبر جمیل تمنا داریم.

الفاظ جوابیه دعاء:

فرد مصیبت دیده باید درمقابل آمین گفته و به فرد تعزیه کننده می گوید: « **أَجْرَكَ اللَّهُ** » یعنی: «الله برای این عملت پاداشت دهد.» از ابراز تسلیت شما سپاسگزار هستیم ، و خداوند شما را هم از غم نگاه کند ، و غیره ...

زن در مراسم تعزیه :

حکم شرعی برای زنان در اشتراک در مراسم تعزیه همین است که : زنان در صورتی که زینت خود را اشکار نسازند و رفتارهای خلاف شرع؛ مانند چاک نمودن پیراهن، خراشیدن وسیلی زدن در روی و سر، ناله و زاری با صدای بلند، از آنان دیده نشود، می توانند در مراسم تعزیه اشتراک نمایند.

بلا تأخیر قابل گفتن میدانیم که در صورتیکه اعمال مشابه از مرد ها هم سر بزنند، این اعمال تخلف شرعی پنداشته میشوند و مردانهم باید از این حرکت ها خودرنگاه دارند .
خواهران و مادران محترم نباید فراموش کنند:

که تمام این کارها باعث خشم پروردگار گردیده، و سبب آزارمیت در قبرش خواهد شد. در حدیثی که ابن عمر و حدیثی که از صحابی جلیل القدر المغیره وسایر محدثین روایت گردیده و این احادیثی در صحیح مسلم و صحیح بخاری نیز تذکر یافته ، آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است :

« **إِنَّ الْمَيْتَ يَعْذِبُ بِمَا يَنَاحُ عَلَيْهِ** » و در روایت امام بخاری آمده : «**بِبَكَاءِ أَهْلِهِ عَلَيْهِ**»

« **والمراد بالبكاء النياحة وهي رفع الصوت** »

ولی ناگفته نماند که صرف گریستن و ریختن اشک که برای انسان در حالات یک حادثه غم انگیز و از جمله فقدان عزیزان و دوستان رُخ میدهد، شامل این حکم نمی گردد ولی حکم حدیث در منع، همانا بلند کردن آواز و چیغ زدن و اوایلا جورکردن در وقت گریه و ابراز تاثرات برمرده است که در زبان عربی به آن «**نیاحه**» میگویند. رسول الله صلی الله علیه وسلم مسلمان را از نیاحه منع نموده است، ولی صرف ریختن اشک از چشم ممانعتی ندارد و شامل حکم این حدیث نمی باشد.

دین مقدس اسلام مسلمانان را به صبر و استقامت در مصیبت دعوت نموده ولی جاری شدن اشک از چشم شامل این هدایت رسول الله صلی الله علیه وسلم نیست، همانطوریکه اشک پیامبر اسلام در وفات فرزندش ابراهیم از چشم مبارکشان جاری شد. طوریکه گفته آمدیم: گریه عادی - بدون شیون، زاری و داد و فریاد - برای میت کراهت ندارد؛ زیرا رسول الله صلی الله علیه وسلم به هنگام فوت فرزندش ابراهیم در حالیکه به شدت میگریست و اشک از چشمان مبارکش جاری بود گفت:

« ای ابراهیم! اگر این مردن تو امر حق و وعده راستین خداوند تعالی و مقدر نمی بود که آخر ما به اول ما ملحق میشوند هر آئینه بیشتر از این بر تو غمگین و اندوهگین میشدم » و بعد از اندک سکوت فرمود: « العین تدمع والقلب يحزن ولا نقول إلا ما يرضى الرب، وإنا بفراقك يا إبراهيم لمحزونون » (چشم اشک میرزد و قلب غمگین میشود، و ما جز آنکه خدا را خشنود سازیم چیزی نمیگوییم و ما ای ابراهیم! بر تو شدیداً غمگین هستیم ».

زن و تشیع جنازه:

همانطوری که در فوق خدمت خوانندگان محترم بیان گردید، در مورد اشتراک زنان در مراسم تعزیت و بخصوص اشتراک زنان در نماز جنازه هیچگونه مانع شرعی، دیده نمیشود، حتی در دین اسلام بیان گردیده، در صورتی که زنان در مراسم جنازه حاضر باشند، میتوانند نماز جنازه را با مراعات آداب معین که البته در آخر صف بعد از مردها ایستاده شده، بجا آرند.

در حکم فقهی موضوع اشتراک زنان در نماز جنازه آمده است: جائز است که زنان مانند مردان نماز جنازه را بخوانند چه به صورت انفرادی باشد و یا هم به شکل جماعت. حضرت عمر (رض) انتظار کشید تا مادر عبدالله نماز جنازه عتبه را خواند و بی بی عایشه امر کرد تا جنازه سعد بن ابی وقاص را بیآورند تا بر وی نماز جنازه بخواند.

امام النووی (رح) میفرماید:

لازم است برای زنان در نماز جنازه جماعت ترتیب شود، نماز جنازه را به جماعت بجا آرند مثلی که در نمازهای دیگر به جماعت می خوانند و همین نظریه الحسن بن صالح و سفیان ثوری و امام احمد و امامان مذهب حنفی می باشد.

در کتاب مشهور فقهی بنام (الفتاوی النسائیه) (فتواها برای زنان) آمده است: زنان مانند مردان اگر در نماز جنازه حاضر شوند، باید نماز جنازه بخوانند و ثوابی که مردان از نماز جنازه میگیرند، زنان نیز همان ثواب را بدست میآورند. مؤرخان میگویند که مردان و زنان جنازه رسول الله صلی الله علیه وسلم را خواندند. اگر جنازه حاضر شد باید که زنان با مردان نماز آنرا بخوانند.

خواننده محترم!

نماز جنازه طوریکه در فوق هم یاد آور شدیم، دعای مغفرت برای میت مسلمان می باشد که برای مرد و هم برای زن مسلمان مشروع است البته به این تفاوت که برای مردها فرض کفائی است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در حدیث صحیح متفق علیه فرموده است که مسلمان که نمازه جنازه را اداء کند و در وقت ادای این نماز حضور یابد به اندازه یک کوه ثواب

کمائی میکند و مسلمان که بعد از ادای نماز همراهی جنازه را می کند تا به دفن شدن در مقبره ثواب و اجر به اندازه دو کوه را بدست میاورد: «**من شهد الجنزة حتى یصلی علیها فله قیراط، ومن شهدها حتى تدفن فله قیراطان، قیل: یا رسول الله وما القیراطان؟ قال: مثل الجبلین العظیمین**».

ولی برخی از فقها با استدلال های فہمی خویش که از شریعت اسلام دارند، طی فتوای نگاشته اند که: **متابعت جنازه و رفتن به مقبره و همراهی کردن میت تا قبرستان خاص برای مردان است در شرع اختصاص داده شده نه برای زنان**، و برای زنان و خانمها همراهی کردن جنازه تا به مقبره و حضور یافتن بخاطر دفن آن لازم نیست بلکه مکروه است. و استدلال خویش را به فحوی این حدیث مبارکه مستدل می نماید: «**عَنْ أُمِّ عَطِيَّةَ ل قَالَتْ: نُهَيْتَا عَنْ اتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ، وَلَمْ يُعْزَمَ عَلَيْنَا**». (بخاری حدیث شماره: 1278) (ام عطیه می فرماید: ما زنان از اشتراک در تشیع جنازه، نهی شدیم، ولی این منع، به مفهوم منع قطعی نبود.)

از لفظ «**و لم یُعزَم عَلینا**» چنین استنباط میشود که در حدیثی متذکره کلمه حرام نیامده است و تنها از «**نهی**» سخن به میان آمده است که معنی (بازداشتن) را دارد نه حرام بودن را. زیرا کلمه حرام در شریعت مبارک اسلام معنی بسیار شدید دارد. و از جانب دیگر «**نُهینا**» به صیغۀ مجهول است یعنی که فاعل آن معلوم نیست که این نهی را شاید رسول الله صلی الله علیه وسلم نموده باشد و یا هم صحابه رسول الله، به هر ترتیب از فحوی حدیث طوری معلوم میشود که این نهی از جانب رسول الله صلی الله علیه وسلم نیست.

اما در این هیچ ای شک نیست که:

در زمان دورۀ جاهلیت یعنی قبل از اسلام، زنان کفار در ایام عزاداری به سر و روی خود میزدند؛ بر سر و موی خود خاک می زدند؛ پیراهن خود را پاره میکردند؛ چیغ میزدند و نوحه سر میدادند. با آمدن دین مقدس اسلام این عادات یکجا با سایر اعمال خرافاتی از جمله دورۀ جاهلیت پنداشته شد و انرا ممنوع و حرام اعلام نمود. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که آنانیکه این اعمال را انجام میدهند از جمله اوشان نیست یعنی از امت اسلام نیستند. در احادیث ریاض الصالحین میخوانیم که نوحه کردن بر مرده از خصال و صفات کفار است (ریاض الصالحین حدیث شماره 1667 از امام زکریا یحیی بن شرف نووی دمشقی).

یکی از جمله دلایل که زنان را اجازه نه میدهند تا در جنازه اشتراک کنند، اساساً این نیست که اشتراک شان در جنازه نهی شده است، بلکه عامل اش این است که زنان از احساسات کار میگیرند و همین اعمال نا روا را متأسفانه انجام میدهند که این بی خبری شان ناشی از بی اطلاعی از اصول شریعت دین مقدس اسلام است و رنه هیچ زن مسلمان آگاهانه مرتکب همچو اعمال نمیشود.

در ضمن باید یادآور شد که برخی از فقهای ما کلمه «**نهی**» که در حدیث آمده است آنرا به «**حرام**» تبدیل کرده اند. که این فهم شان قریب به صواب نمی باشد.

ولی با آنهم طوریکه گفتیم تعدادی از فقها و حتی برخی از صحابه و تابعین اشتراک زنان را در مراسم تعزیه مکروه دانسته اند، مطابق برخی از روایات میتوان از عبد الله بن مسعود، عبد الله ابن عمر، ابو امامه، عائشه، مسروق، نخعی، اوزاعی، اسحاق.. نام برد

این تعداد از علما می فرمایند که :

در حدیث صحیح ثابت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم روزی مجموعه از خانمها را دید که به انتظار جنازه نشسته بودند ، به نیت اینکه جنازه را همراهی کنند رسول الله صلی الله علیه آنها را از این کار منع نمود و برای شان گفت که برگردید با گناه وبدون اجر وثواب:

« وروی أن النبی صلی الله علیه وسلم خرج فإذا نسوة جلوس قال: «ما یجلسکن؟» قلن: ننتظر الجنّاة قال: «هل تغسلن؟» قلن: لا. قال: «هل تحملن؟» قلن: لا. قال: «هل تدلین فیمن یدلی؟» قلن: لا. قال: «فارجعن مأزورات غیر مأجورات».

سوگواری شرعی زنان:

هر زمانی که یکی از اقارب نزدیک خانواده زن به طور مثال برادر، عمه، مادر، کاکا و... فوت نماید ، میتواند تا مدت سه روز از آرایش، استعمال بوی معطر، کشیدن سرمه بر چشم، استعمال حنا و استفاده از زینت آلات و لباس های رنگارنگ خودداری نماید.

ولی هرگاه شوهر زن فوت کند، واجب است برای مدت چهار ماه و ده روز سوگواری نماید .

در حدیثی که از ام عطیه روایت گردیده آمده است : « کنا ننهی أن نحد علی میت فوق ثلاث، إلا علی زوجة أشهر و عشرا، ولانکتحل، ولانطیب، و لاتلبس ثوبا مصبوغا إلا ثوب عصب، و قد رخص لنا عند الطهر إذا اغتسلت إحدانا من حیضها فی نبذة من کست أظفار، و کنا ننهی عن اتباع الجنائز» (متفق علیه.)

«ما نهی می شدیم از اینکه برای مرده هایمان بیش از سه روز سوگواری کنیم؛ مگر برای فوت شوهر که چهار ماه و ده روز سوگواری می کردیم، از سرمه و بوی خوش استفاده نمی کردیم و لباس رنگارنگ نمی پوشیدیم مگر لباس یمنی، و وقتیکه از حیض پاک می شدیم و غسل می کردیم به ما اجازه داده می شد که تکه ای بخور (ماده ای خوشبو) بکار ببریم (تا بوی بد اثر خون را از بین ببرد) و از تشییع جنازه نیز نهی می شدیم».

از ام سلمه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : « المتوفی عنها لاتلبس المعصر من الثیاب، ولا الممشق من الحی، ولا تختضب، ولا تکتحل» (صحیح ابوداود 2287) «زنی که شوهرش فوت کرده است باید از پوشیدن لباسهای زرد و سرخ و استفاده از جواهر آلات و حناء و سرمه خودداری کند».

همچنان در حدیثی که از ام حبیبه ، زوجه پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت گردیده آمده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده : « لا یحلّ لامرأة تؤمن بالله والیوم الآخر تحد علی میت فوق ثلاث، إلا علی زوجة أشهر و عشرا». (بخاری: 1281) (ام حبیبه زوجه گرامی پیامبر صلی الله علیه وسلم ، می گوید: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود: «هر زن مؤمنی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، مجاز نیست بیش از سه روز، برای کسی سوگوار باشد مگر برای شوهرش، که در آنصورت، می تواند چهار ماه و ده روز، به سوگ بنشیند».

طوری که گفتیم ، زنی که شوهرش فوت کرده است، مدت چهار ماه و ده روز سوگواری را در منزل همسری می گذارند، اما خانمی که طلاق رجعی داده شده لازم نیست که آن

مدت را به عزا بنشیند، اگرچه برخی از علما آن را برای آن خانم نیز مستحب می‌دانند. زنی که شوهرش فوت کرده است، در مدت چهارماه و ده روز عزاداری، برای کارها و مشاغل ضروری روزانه می‌تواند از خانه خویش خارج شود، اما حتماً باید شب‌ها به منزل خود بازگردد. همچنان که گفته شد سوگواری برزنی که شوهرش فوت کرده واجب است.

در مذهب امام ابوحنیفه آنرا بر زنان مطلقه که در طلاق بائنه صغری و کبری باشند، واجب می‌شمارد. ولی اکثریت فقها آن را مستحب می‌دانند و زنانی که از طریق طلاق «رجعی یا بائن» طلاق داده شده‌اند از نظر امام ابوحنیفه نه شب و نه روز را نباید از منزل خارج شوند، اما پیروان مذهب شافعی می‌گویند تنها در صورتی زن در حال گذر اندین عده می‌تواند منزل را ترک کند که ضرورتی وجود داشته باشد.

یادداشت فقهی:

زن سوگوار و در حال عده برای شوهر، از استعمال آلات زینت، استعمال بوی خوش، حنا، لباس‌های رنگارنگ و بیرون رفتن غیر ضروری مانند: شهادت در محکمه یا معالجه مریضان، رفتن به دیدار اقوام، رفتن به هدیره و قبرستان، خودداری کند.

اعمال حرام و نامشروع در مراسم تعزیه:

در حین وفات عزیزان و به خصوص در حین مراسم تشییع جنازه و مراسم تسلیت و تعزیه برخی از اعمال خود آگاه و یا ناخود آگاه از انسان سر میزند که جداً حرام و نامشروع می‌باشد و انسان گنهکار هم می‌گردد. یکی از این اعمال طوری که یادآور شدیم:

چیغ و اوایلا بر جنازه است:

چیغ زدن و اوایلا و به اصطلاح نوحه خوانی بر جنازه، عبارت از: بلند کردن صدا به آه و ناله، پاره کردن لباس، سیلی زدن به سر و روی، کندن موی سر، خراشیدن و خون کردن سر و صورت، و خاک انداختن بر سر و روی، به خاطر زاری گریان و اوایلا بر میت، این فریادها و اوایلا سردادن و امثال این گفتارها و کردارها که از انسان سر داده میشود، بمعنی نشان دادن اعتراض و عدم صبر و تحمل نسبت به قضا و قدر الهی می‌باشد. همه این اعمال و یا عمل از فهم شرع دین مبین اسلام حرام، گناه کبیره و گناه بزرگی بوده و رسول الله صلی الله علیه و سلم از آن بطور جدی ممانعت بعمل آورده است: وحتی فرموده است که همچو اشخاص از جمله امت من نمی‌باشد، طوری که میفرماید: «**لیس منا من لطم الخدود، وشق الجيوب، ودعا بدعوی الجاهلیة**». «کسیکه روی خویش به سیلی میزند، و یخن خود را پاره میکند، و ناله و فریاد جاهلیت را سر دهد، از امت من نیست».

همچنین در کتاب صحیحین آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: «**بریء من الصالقة والحالقة والشاقفة**». «این سه گروه از من جدا هستند، یک کسی که در هنگام مصیبت صدایش را بلند می‌کند، دوم کسی را که موی سرش را به خاطر مصیبت می‌کند و سوم کسی که در هنگام مصیبت لباسش را پاره می‌کند». و در صحیح مسلم آمده است که رسول الله صلی الله علیه و سلم: «**لعن النائحة والمستمعة**». (زنان نوحه‌گر و همچنین آن زنانی را که از شنیدن نوحه‌سرایی احساس شگفتی می‌کنند، نفرین فرموده است).

پس ای خواهر مسلمان!

بر شما واجب است تا به پیروی از حکم پیامبر صلی الله علیه وسلم از این عمل حرام در وقت مصیبت خود داری نمایم .

در مقابل ای خواهر مؤمن بر شما واجب است که در هنگام مصیبت صبر نمایی و به الله پناه بریم؛ تا مصیبت و عزای تو برایت تبدیل به بخشش گناهانت شود و همچنین موجب ازدیاد نیکی‌هایتان گردد.

پروردگار با عظمت ما با زیبای زاید الوصف میفرماید: **« وَنَبْلُوكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ »** (سوره البقره: 155-157).

«قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و نقص در مالها و نفس‌ها و میوه‌ها، امتحان می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! آنها که هر گاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خدائیم؛ و به سوی او باز می‌گردیم!» اینها، همانها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛ و آنها هستند هدایت‌یافتگان!».

واقعاً چه زیبا است صبر در وقت مصیبت که انسان آنرا پیشه خود سازد . ولی در این هیچ جای شک نیست و چنانچه گفته آمدیم که: گریه کردن بدون چیغ و اوپلا و بدون انجام کارهای حرام و بدون انجام کارهای خلاف شرع اسلامی، جایز است. و انسان نباید از قضا و قدر الهی خشمگین، و یا در صورت این خشم و غضب هم منکر دین شده و صحبت‌های غیر شرعی بر قلب و بر زبان خویش جاری سازد . خواننده محترم ! گریه کردن نوعی رحم و رقت قلب نسبت به میت است و چیزی است که نمی‌توان از آن در چنین مواقعی جلوگیری کرد، به همین دلیل مباح است و گاهی اوقات هم مستحب می‌شود. (برای معلومات مزید در این بابت مراجعه شود به : کتاب تنبیهاات علی أحكام تختص بالمؤمنات، شیخ دکتر صالح بن فوزان)

پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید :

1- **« أَرْبَعٌ فِي أُمَّتِي مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا يَتْرُكُونَهَا إِلَّا الْفَخْرُ فِي الْأَخْسَابِ وَالطَّعْنُ فِي الْأَنْسَابِ وَالْأَسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ وَالنِّيَاحَةَ وَقَالَ النَّبِيَّةُ إِذَا لَمْ تَتَّبِ قَبْلَ مَوْتِهَا تَقَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطْرَانٍ وَدِرْعٌ مِنْ جَرَبٍ »**. (چهار خصلت در امت من وجود دارد که آن‌ها را ترک نمی‌کنند در حالی که آن‌ها از خصلت‌های جاهلیت‌اند:

- 1- افتخار بر حسب و نسب خویش
- 2- طعنه زدن بر نسب دیگران
- 3- طلب باران از ستارگان
- 4- نوحه خواندن .

و در این مورد فرمود: نوحه خوان اگر توبه نکند، روز قیامت در حالی حشر می‌شود که پیراهن و تنبان از قیر بر تن او خواهد بود.

2- **« اِثْنَانِ فِي النَّاسِ هُمَا بِهِمْ كُفْرُ الطَّعْنِ فِي النَّسَبِ وَالنِّيَاحَةَ عَلَى الْمَيِّتِ »**. (دو خصلت در میان مردم است که موجب کفراند: طعنه زدن بر نسب دیگران و نوحه خواندن بر میت).

3- هنگامی که ابراهیم؛ فرزند رسول الله صلی الله علیه وسلم فوت کرد، اسامه بن زید

چیغ میزد . رسول الله علیه وسلم فرمود: این کار شیوه من و دستور من نیست، فریاد کشیدن کار درستی نیست. البته دل غمگین می‌شود، چشم اشک می‌ریزد، ولی کاری که موجب خشم و غضب پروردگار گردد انجام نگیرد.

4-ام عطیه می‌گوید:

رسول الله صلی الله علیه وسلم هنگام بیعت، از ما تعهد گرفت که نوحه نخوانیم. بجز پنج نفر از ما (بیعت کنندگان) کسی دیگر به این عهد، وفا نکرد. آن پنج نفر عبارتند از: ام سلیم، ام العلاء، دختر ابی سیره، و همسر معاذ

5-انس بن مالک می‌گوید:

«أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ لَمَّا طُغِنَ عَوَّلَتْ عَلَيْهِ حَفْصَةَ فَقَالَ يَا حَفْصَةَ أَمَا سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ الْمُعْوَلُ عَلَيْهِ يُعَذَّبُ وَعَوَّلَ عَلَيْهِ صُهِيبٌ (يقول: و الأخاه، و اصحابه) فَقَالَ عُمَرُ يَا صُهِيبُ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُعْوَلَ عَلَيْهِ يُعَذَّبُ».

محدثین در روایتی مینویسند :

«إِنَّ الْمَيِّتَ لَيُعَذَّبُ بِبِكَاءِ أَهْلِهِ عَلَيْهِ وَ فِي آخِرِي بِمَا نِيحَ عَلَيْهِ» . (می‌گویند زمانیکه امیر المومنین حضرت عمر بن خطاب (رض) در داخل مسجد با نیزه زهری ابو لولو زخمی گردید. حفصه؛ دختر عمر؛ چیغ زد و گریان می‌گردد ، حضرت عمر بن خطاب فرمود: ای حفصه! نشنیده ای که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: هر کسی که برایش واویلا کنند و نوحه بخوانند گرفتار عذاب خواهد شد.

روایان می‌گویند در حالیکه از جسد امیر المومنین حضرت عمر فارق خون در جریان بود : صُهِيبِ ابْنِ سَنَانِ بْنِ مَالِكٍ، ملقب به ابویحیی یکی از صحابی جلیل القدر و تیر اندازان معروف اسلام است ، نوحه سر داده بود ، و با اواز بلند می‌گفت: وای برادرم! وای رفیقم! فرمود: ای صُهِيبِ! خبر نداری کسی که برایش، واویلا کنند و نوحه بخوانند دچار عذاب خواهد شد؟

حتی در تعداد کثیری از روایات آمده است که بعضی از گریه‌های اطرافیان، باعث عذاب میت می‌گردد.

6-«الْمَيِّتُ يُعَذَّبُ فِي قَبْرِهِ بِمَا نِيحَ عَلَيْهِ» . (همانا میت، بخاطر گریه اطرافیان، عذاب داده می‌شود).

در روایتی دیگر آمده است که: میت بخاطر نوحه‌ای ، چیغ وواویلا که برایش می‌خوانند در قبر عذاب خواهد دید).

7- «مَنْ نِيحَ عَلَيْهِ يُعَذَّبُ بِمَا نِيحَ عَلَيْهِ» . (برای هر کس که نوحه بخوانند، روز قیامت عذاب داده می‌شود).

حکم احادیثی فوق ممنوعیت نوحه خوانی وچیغ های که همراه با شیون است ، میباشد . ولی گریه کردن و اشک ریختن نورمال در مصیبت هدف نمی باشد .

طوریکه در حدیث عمر (رض) نیز به این مطلب اشاره شده بود که، فرمود:

«ببعض بکاء أهله» یعنی میت، بخاطر بعضی از گریه‌های اطرافیان مستحق عذاب

می‌گردد. (نه همه گریه‌ها). ظاهر احادیث فوق، مشکل به نظر می‌رسد. زیرا با بعضی

از اصول و قواعد ثابت شریعت تعارض دارد و چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ

وِزْرَ أُخْرَى﴾ (الأنعام: 154). هیچ گناهکاری بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد.

علماء در پاسخ اشکال فوق، هشت نظریه مختلف ارائه کرده‌اند. که صحیح‌ترین آن‌ها،

دو نظریه زیر است:

1- نظر جمهور بر این است که این عذاب شامل حال میتی می‌شود که در زمان حیات خویش، وصیت به نوحه خوانی کرده باشد و یا اطرافیان خود را از این کار، منع نکرده باشد با توجه به اینکه می‌دانسته که مردم بر حسب عادت، چنین اعمالی انجام می‌دهند. به همین خاطر عبدالله بن مبارک فرمود: اگر کسی در زمان حیات، از نوحه خوانی منع کند، ولی بعد از وفاتش چنین کنند گناهکار نمی‌شود. و نزد این گروه، عذاب در اینجا بمعنی عقاب و پاداش است.

2- یعنی میت با شنیدن گریه اطرافیانش، اندوهگین و ناراحت می‌شود و دلش به حال آن‌ها می‌سوزد. و این حالت در حیات برزخی اتفاق می‌افتد نه روز قیامت. و این، مذهب ابن جریر طبری و تعدادی دیگر است. آن‌ها می‌گویند:

منظور این نیست که خداوند با گریه اطرافیان، میت را کیفر می‌دهد. زیرا عذاب، عام‌تر از عقاب است. چنانچه در حدیث آمده است که «السفر قطعه من العذاب» یعنی سفر پاره‌ای از عذاب است. و این عذاب در واقع مجازاتی بر گناه نیست، بلکه تحمل نوعی سختی و دشواری است.

8- نعمان بن بشیر می‌گوید:

«أُغْمِيَ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ رَوَاحَةَ فَجَعَلَتْ أُخْتُهُ عَمْرَةَ تَبْكِي وَابْنُ جَبَلَةَ وَابْنُ كَذَا وَابْنُ كَذَا تَعَدُّ عَلَيْهِ فَقَالَ جِبْنٌ أَفَاقٌ مَا قُلْتِ شَيْئًا إِلَّا قِيلَ لِي أَنْتَ كَذَلِكِ؟! فَلَمَّا مَاتَ لَمْ تَبْكِي عَلَيْهِ».

ترجمه: عبدالله بن رواحه بیهوش شد، خواهرش؛ عمره؛ شروع به گریه (نوحه خواندن) کرد می‌گفت: ای کوه من! ای فلان من! وقتی برادرش به هوش آمد، گفت: هر چه شما می‌گفتید، (فرشتگان) به من می‌گفتند: تو چنین هستی! تو چنان هستی! راوی می‌گوید: وقتی عبدالله فوت کرد، خواهرش برایش گریه نکرد.

کندن موها :

ابو برده فرزند ابوموسی می‌گوید:

«وَجَعَ أَبُو مُوسَى وَجَعًا شَدِيدًا فَعُشِيَ عَلَيْهِ وَرَأْسُهُ فِي حَجْرٍ امْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِهِ فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهَا شَيْئًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ بَرِيءٌ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَرِيءٌ مِنَ الصَّالِقَةِ وَالْحَالِقَةِ وَالشَّاقَةِ» (ابوموسی شدت مریض و دچار بیهوشی گردید و سرش روی زانوی یکی از زنان خانواده‌اش نهاده بود. زنی از اهل بیتش با داد و فریاد، شروع به گریه کرد. ابوموسی نتوانست مانع او شود. وقتی به هوش آمد، فرمود: من از کسی که رسول الله ۲ از وی اظهار بیزاری نموده، بیزارم. همانا رسول الله ۲ از زنی که هنگام مصیبت با صدای بلند، گریه کند یا موهای خود را بکند و یا گریبان چاک نماید، اظهار بیزاری نموده است.

محدثین می‌نویسند که: «عَنْ أَبِي مُوسَى : أَنَّهُ وَجَعَ وَجَعًا شَدِيدًا، فَعُشِيَ عَلَيْهِ، وَرَأْسُهُ فِي حَجْرٍ امْرَأَةٍ مِنْ أَهْلِهِ فَبَكَتْ، فَلَمْ يَسْتَطِعْ أَنْ يَرُدَّ عَلَيْهَا شَيْئًا، فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ: أَنَا بَرِيءٌ مِمَّنْ بَرِيءٌ مِنْهُ رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ بَرِيءٌ مِنَ الصَّالِقَةِ وَالْحَالِقَةِ وَالشَّاقَةِ» (بخاری:

1296)

(از ابوموسی روایت است که او مریض شد. و از شدت مریضی، بیهوش گشت در حالی که سرش، روی زانوی همسرش، قرار داشت و همسرش با صدای بلند، گریه

می‌کرد. ابوموسی نتوانست مانع گریه او شود، اما هنگامیکه به هوش آمد، گفت: من بیزارم از کسانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم از آنها، اظهار بیزاری کرده است». همچنان در حدیثی دیگری که آنر بی بی عایشه روایت فرموده آمده است: «لَمَّا جَاءَ النَّبِيَّ قَتْلُ ابْنِ حَارِثَةَ وَجَعْفَرَ وَابْنِ رَوَاحَةَ، جَلَسَ يَعْرِفُ فِيهِ الْحُزْنَ، وَأَنَا أَنْظُرُ مِنْ صَائِرِ النَّبَابِ - شَقِيَ النَّبَابُ - فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: إِنَّ نِسَاءَ جَعْفَرَ، وَذَكَرَ بُكَاءَهُنَّ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَنْهَاهُنَّ، فَذَهَبَ، ثُمَّ أَتَاهُ الثَّانِيَةَ، فَأَخْبَرَهُ: أَنَّهُنَّ لَمْ يَطْعَنَهُ، فَقَالَ: «انْهَيْنَّ». فَأَتَاهُ الثَّلَاثَةَ، قَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ غَلَبْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَرَعَمَتْ أَنَّهُ قَالَ: «فَاحْتِ فِي أَفْوَاهِهِنَّ الثَّرَابَ». (بخاری: 1299)

«عایشه (رض) می‌فرماید: هنگامی که خبر شهادت زید بن حارثه، جعفر بن ابی طالب و عبدالله بن رواحه به رسول الله صلی الله علیه وسلم رسید، ایشان (در مسجد) نشست و آثار غم و اندوه، از چهره‌اش، نمایان بود. عایشه می‌گوید: من از شکاف در، نگاه می‌کردم. شخصی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و از گریه و فغان زنهای خانه جعفر، خبر داد. رسول الله صلی الله علیه وسلم به او امر کرد تا آنها را از گریستن، باز دارد. آن شخص، رفت. اما دیری نگذشت که دوباره آمد و گفت: آنان به حرف من گوش نمی‌کنند. رسول الله بار دیگر، فرمود: «آنان را منع کن». آن شخص رفت و بار سوم برگشت و گفت: ای رسول خدا! آنان بر ما غلبه کردند. رسول الله فرمود: «در دهان‌شان خاک بریز». (یعنی به هر صورت که شده است آنان را از این کار، باز دار. فتح الباری).

همچنان در حدیثی از ام سلمه رضی الله عنها روایت شده که گفته است: از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: «هر مؤمنی که دچار مصیبتی بشود و بگوید: ما از آن خداوندیم و به سوی او باز خواهیم گشت، خداوند برای تحمل این مصیبت مرا در حمایت خویش قرار بده و بهتر از آن را برایم جبران کن. خداوند برای آن مصیبت اجر و پاداش (زیادی را) نصیبش می‌گرداند و بهتر از آن را برای او جبران می‌کند». (مسلم)

پرت و پریشان کردن موها:

یکی از زنان که با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت کرده بود، می‌گوید: «كَانَ فِيمَا أَخَذَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ فِي الْمَعْرُوفِ الَّذِي أَخَذَ عَلَيْنَا أَنْ لَا نَعْصِيَهُ فِيهِ أَنْ لَا نَحْمُسَ وَجْهًا وَلَا نَدْعُوَ وَيْلًا وَلَا نَشُقَّ جَنْبًا وَأَنْ لَا نَنْشُرَ شَعْرًا». (از جمله مواردی که رسول الله صلی الله علیه وسلم از ما بیعت گرفت، این بود که در انجام کارهای خیر، از وی نافرمانی نکنیم، گریه و واویلا سر ندهیم، صورت خود را زخمی نکنیم، گریبان چاک ندهیم و موهای خود را نیز پراکنده نسازیم. همچنان بعضی از مردان، بخاطر مرگ نزدیکان و خویشاوندان خود، برای نشان دادن تأثرات خود و بعنوان اینکه به اصطلاح عزا دار هستم، برای مدتی ریش خود را نمی‌تراشد و بعد از مدت کوتاهی، شروع به تراشیدن ریش می‌کنند، این کار نیز همانند پریشان ساختن مو است که از نظر شرع بدعت می‌باشد. و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: هر بدعت موجب گمراهی، و هر گمراهی موجب رفتن به دوزخ است.

حمل جنازه از وظایف مردان است:

شرع اسلامی وظیفه حمل جنازه میت را بر دوش مردان گذاشته و زنان را از آن معاف

کردانیده است : در حدیثی که از ابو سعید خدری روایت گردید ه ، آمده است :
«عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: «إِذَا وُضِعَتِ الْجَنَازَةُ، وَاحْتَمَلَهَا الرَّجَالُ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ، فَإِنْ كَانَتْ صَالِحَةً قَالَتْ: قَدِمُونِي، وَإِنْ كَانَتْ غَيْرَ صَالِحَةٍ قَالَتْ: يَا وَيْلَهَا أَيْنَ يَذْهَبُونَ بِهَا، يَسْمَعُ صَوْتَهَا كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا الْإِنْسَانَ، وَلَوْ سَمِعَهُ صَعِقَ». (بخاری: 1314)
(ابوسعید خدری (رض) می‌گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هنگامی که جنازه آماده می‌شود و مردان آنرا بر روی شان‌هایشان می‌گذارند، اگر شخص نیکی باشد، می‌گوید: مرا زودتر ببرید. اگر شخص ناصالحی باشد، به فغان و ناله در می‌آید و می‌گوید: وای بر من، مرا کجا می‌برید؟ این آه و فغانش را بجز انسان، هر چیز دیگر می‌شنود. و اگر انسانها آن را بشنوند، بیهوش می‌افتند». . **پایان**

فهرست :

- مقدمه
- هدف نمازه جنازه
- قیام شروط نماز جنازه
- ترتیب نماز جنازه
- تعزیه و همدردی
- آداب تعزیت
- تعزیت بعد از سپری شدن سه روز
- تهیه غذا
- الفاظ تسلیت و تعزیه
- الفاظ جوابیه دعاء
- زن در مراسم تعزیه
- زن و تشیع جنازه:
- سوگواری شرعی زنان
- اعمال حرام و نامشروع در مراسم تعزیه
- چیغ و اوویلا بر جنازه است
- پرت و پریشان کردن موها
- حمل جنازه از وظایف مردان است

زن در مراسم تعزیه

تتبع، نگارش و نوشته از:

امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

درس ارتباطی - ایمیل: saidafghani@hotmail.com

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**